

کیمشان

بررسی تاریخچه و سیر تحول ساخت بقعه و بارگاه امام رضا(ع)از آغاز تا کنون

گزارش‌های معتبر تاریخی حاکی از این است که بقعه امام‌رضا(ع) از همان زمان خاکسپاری دارای گنبد و بارگاه بوده و در طول تاریخ ایران و در زمان‌های مختلف، هرچند تکمیل و تعمیر و بازسازی آن فراز و فرودهایی را به خود دیده است، اما همواره توسط شیعیان و حکومت‌های گوناگون، اعم از شیعه و سنی، مورد توجه قرار گرفته و به مرور زمان کامل شده است و به سبب علاقه و عشق ایرانیان به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بارگاه امام‌رضا(ع) همواره ملجأ عاشقان خداوند و دلدادگان پیامبر و خاندان او بوده است.در مقاله حاضر به بررسی روند ساخت حرم و بارگاه امام‌رضا(ع) در طول تاریخ و صحت و سقم این ادعا که صفویان برای اولین بار به ساختن بقعه و بارگاه و رواج زیارت امام هشتم همت گماشتند پرداخته شده است.

یکی از شبهاتی که مطرح می‌شود این است که اولین بار صفویان بودند که مشهد را برای ایرانیان، به عنوان یک مکان مقدس زیارتی ساختند. جایی که امروزه قبر و بارگاه امام‌رضا در آن قرار دارد، ابتدا محل قبر هارون الرشید و نام آن به «مشهد امیرالمومنین هارون‌الرشید عباسی» مشهور بود؛ چون امام‌رضا(علیه‌السلام) از دنیا رفت، به دستور «مامون» او را در کنار هارون‌الرشید به خاک سپردند و به تدریج نام آن به «مشهد امام رضا» تغییر یافت؛ قبر امام‌ضا تا پیش از صفویان، مکان زیارتی و البته با این وسعت خیره‌کننده نبود؛ صفویان برای مشغول کردن شیعیان به اموری که برای دولشان خطرساز نباشد، آن را به زیارتگاه بزرگی تبدیل کردند^(۱)

بدون شک صفویان نقش برجسته و پررنگی در توسعه و گسترش مذهب تشیع در ایران داشته‌اند؛ مذهب تشیع برای اولین بار در دولت صفویان، به جایگاه مذهب رسمی کشور پهناور ایران ارتقا یافت؛ تفکر شیعی در پیوند با قدرت سیاسی صفویه، همچنانکه از زمینه‌های سیاسی آن بهره گرفت و ایران‌گیر شد، به تقویت و تحکیم پایه‌های قدرت سیاسی صفویان یاری رساند؛ صفویان در کنار خطاها و اشتباهات و احیاناً جنایت‌هایی که مرتکب شدند، خدمات زیادی را به کشور ایران کردند؛ مهم‌ترین خدمت صفویه این بود که ایران را به صورت کشوری مقتدر و یکپارچه آباد ساخت و از تجزیه آن به دست رقیبان جدی‌اش، جلوگیری کرد؛ کسانی که غیرمنصفانه به این قطعه از تاریخ ایران نگریسته‌اند، هم در بیان اشتباهات و احیاناً جنایات صفویان اغراق کرده‌اند و هم در نسبت آنان با مذهب شیعه، به افراط و دروغ روی آورده‌اند؛ در حالی که اخلاق تحقیق حکم می‌کند که همه مسائل را بدون پیش‌داوری مسود توجه قرار داده و از گرفتن نتایج بی‌اساس و متاثر از تعصب و دشمنی پرهیز کنیم!

تاریخچه بنای حرم امام‌رضا(ع)

مرقد مطهر حضرت علی‌بن موسی‌الرضا(ع) (۲۰۳-۱۴۸) هشتمین پیشوای شیعیان، در شهر مشهد واقع است. پیکر پاک امام‌رضا(ع) پس از شهادت، در کنار قبر هارون‌الرشید، که در خانه حمیدبن قحطبه و در خانه به نام سناباد نزدیک نوغان، از توابع طوس قرار داشت، به خاک سپرده شد.

مشهور است که مامون عباسی پیش از شهادت امام‌رضا(ع) قبیلهٔ فرّاز گور هارون ساخته بود و امام(ع) نیز در زیر همان قبه به خاک سپرده شد؛ بنابراین نخستین بنای حرم مطهر رضوی را می‌توان همان بقعه هارونی به شمار آورد؛ پس از آن تا روزگار دیلمیان، نشانه‌ای حاکی

توسل استاد عبدالباسط به امام موسی‌بن‌جعفر (ع)

حجت‌الاسلام سیدعبدالله فاطمی‌نیا استاد اخلاق در دیدار با کاروان قرآنی جمهوری اسلامی ایران اعزامی به حج تمتع با بیان خاطراتی از مرحوم نقش‌بندی گفت: مرحوم نقش‌بندی(مبتل‌وقاری برجسته مصری) از نظر قدرت صدا از نساود روزگار بود. به یاد دارم در محفلی بودیم برق رفت، وی آنچنان تلاوت کرد که با زمایی که برق بود و سیستم صوتی کار می‌کرد چندان تفاوت نداشت.

وی با اشاره به ارادت نقش‌بندی به اهل‌بیت(ع) گفت: یک‌بار نقش‌بندی در جایی آرام به من گفت: بیا برویم قدم بزنیم، من یک کتاب صحیفه سجاده به وی دادم و او مدام به فرازهای کتاب نگاه می‌کرد و ماشاءالله می‌گفت. دو کتاب دیگر هم در این زمینه به وی دادم و بعد از آن ارتباط ما بسیار نزدیک شد. حتی او به مشهد رفت و بعد از بازگشت از مشهد سراغ من را گرفته بود و به دیدارم آمد. نقش‌بندی به اهل‌بیت(ع) ارادت داشت و او هم مانند محمد صدیق منشاوی شیعه ۱۲ امامی است.

توسل عبدالباسط به امام موسی‌بن‌جعفر(ع)

فاطمی‌نیا عبدالباسط را هم محب اهل‌بیت(ع) دانست و گفت: من دوستی در نجف دارم که هنوز هم زنده است. وی می‌گفت: هنگامی که عبدالبسط تلاوت معروف حشر و تکویر را در عراق خواند من حضور داشتم. وی قبیل از تلاوت به من گفت: برای این تلاوت متوسل به موسی‌بن‌جعفر(ع) شدم.

این استاد اخلاق علم تجوید را علمی بزرگ دانست و گفت: من در تجوید شاگرد میرزا جواد آقای تبریزی بودم. با دو سال حضور در جلسات ایشان دریافتم که تجوید علم بزرگ و مهمی است.

صدای بهشتی محمد رفعت

وی با اشاره به اعجاز تلاوت گفت: برخی قدر تلاوت را نمی‌دانند، برخی از تلاوت‌ها مانند سوره هود مصطفی اسماعیل بیمار را شفا می‌دهد و یا صدای محمد رفعت صدایی بهشتی است و آوای این استاد فراتر از این حرف‌ها است که بگویم حجاز خواند یا رست، تلاوت وی انسان را مات و مبهوت می‌کند.

سفارش امام علی (ع) به کسبه و بازاریان

امیرالمومنین علی(ع) وقتی در بازار می‌گشت و موعظه می‌کرد، چنین می‌فرمود:

« خبر خواستن از خدا را مقدم بدارید.

« با آسان گرفتن در معامله، به کار خود برکت دهید.

« با خریداران متواضع باشید.

« خود را به داشتن حلم و بردباری (پرهیز از عصبانیت) زینت دهید.

« از قسم خوردن پرهیز کنید.

« از دروغ گفتن فاصله بگیرید.

« از ستم کردن پترسید.

« در حق مظلوم، با انصاف باشید.

« به رباخواری نزدیک نشوید.

« در وزن و ترازو، درست و تمام وزن کنید (کم‌فروشی نکنید).

« اموال مردم را به حرام نستانید.

« زمین خدا را با کارهای بد اقتصادی‌تان، به فساد و تباهی نکنشید.

(بحارالانوار، ج ۷۸ ص ۵۴)

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱

معارف

Maaref@Kayhan.ir

(ع)امام رضا(ع)تحول ساخت بقعه و بارگاه امام رضا(ع)



و بر آن وقف کرد»^(۱) و اولین حصار را به دور شهر برافراشت؛ بنابراین می‌بینیم که تا قرن ششم و دوره حکومت سلجوقیان حرم امام‌رضا(ع) چندین بار تجدید بنا شده است و گروه‌های مختلفی از مردم به زیارت آن می‌رفتند و آنجا را مقدس می‌داشتند!

مشهدالرضا در دوره سلجوقیان
در روزگار سلجوقیان در اثر درگیری بین فرق مسلمین، حرم تخریب شد؛ در سال ۵۱۵ه‍.ق) فرامرز بن علی، حصارى پیرامون مشهد مقدس کشید و آن حصار بلند موجب شد مشهد از گزند حوادث محفوظ بماند و کسی نتواند به آنجا ضمدای وارد کند؛^(۲) وی پس از مرمت بنای حرم، گنبدی نیز بر آن ساخت؛ کاشی‌های هشت‌ضلعی بسیار نفیسی، معروف به «کاشی‌های سنجرى» که در ازاره حرم به کار رفته و اکنون در زیر قاب‌های بزرگ شیشه‌ای محافظت می‌شوند، از آثار ترکان زمرد ملکه، دختر محمود سلجوقی است که پس از (۵۵۷ه‍.ق) نصب شده است.

مشهدالرضا در دوره خوارزمشاهیان

در روزگار خوارزمشاهیان نیز روضه رضوی مورد توجه بود و تزئینات نوینی بر آن افزوده شد؛ از جمله دو محراب کاشی چینی‌نما و کاشی‌های نفیس برجسته‌اطراف سردر پیش روی مبارکه، از تزئینات‌علی‌بن محمد مقری و کتیبه‌ای حاوی دو بیت شعر فارسی از عبدالله بن محمود بن عبدالله، در دیوار حرم مطهر، که «سنه ۶۱۲» بر آن کتابت شده، از آثار همین دوره است.^(۳)

مشهدالرضا در دوره مغولان

در ۶۱۸ ه‍.ق با حمله تولى پسر چنگیز به روضه مقدس، بقعه رضوی دچار ویرانی شد، ولی به انهدام کامل نینجامید؛ زیرا کاشی‌های سنجرى ازاره حرم که پس از (۵۵۷ه‍.ق) نصب شده است، هنوز در حرم وجود دارد.^(۴)

ابن بطوطه در این دوره حرم رضوی را چنین توصیف می‌کند: مشهد مکرم امام رضا(ع) قبیلهٔ بزرگ دارد، قیصر در داخل زاویه‌ای است با مدرسه‌ای و مسجدی در کنار آن و این عمارت‌ها همه با سبکی بسیار زیبا ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است‌روى قبر، ضریحی و دیویر قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانده‌اند؛ از سقف مقبره، قندیل‌های نقره آویزان است؛ آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم رزدوزی بر در آویخته؛ داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده و قبر هارون هم کنار آن واقع شده است ولی شیعیان موقع زیارت قبر امام، آن را لگد می‌زنند و به امام رضا سلام می‌کنند!^(۵)

مشهدالرضا در دوره تیموریان

در روزگار شاهرخ تیموری همسر او گوهرشاد، آثار ارزنده‌ای در حرم مطهر و اطراف آن پدید آورد؛ از جمله دو رواق «دارالمفاظ»

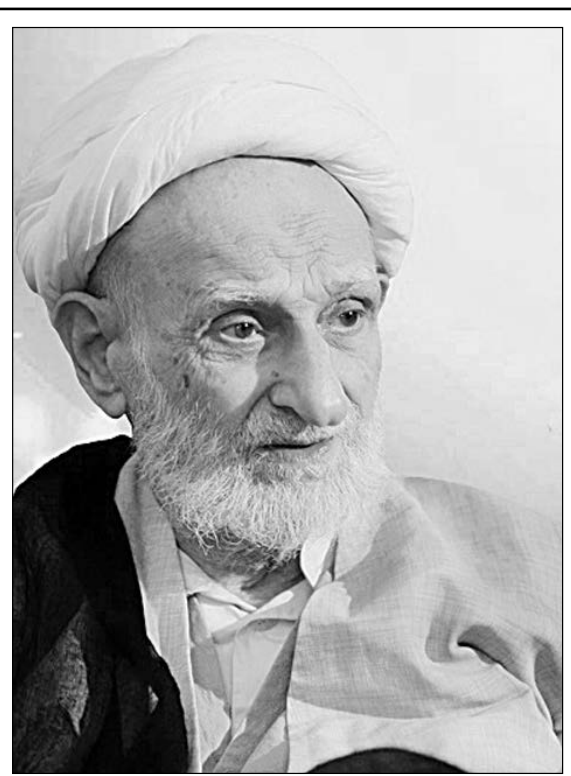
«حرم مقدس رضوی در طول تاریخ، همواره محل تردد و مرکز عالمان و عارفان و عاشقان حقیقت و جایگاه عباد و زهاد بوده است؛ شیخ صدوق که در سال (۳۵۲ه‍.ق) این مکان مقدس را زیارت کرده است می‌نویسد: زائرانی را دیدم که از مصر آمده بودند و به اصرار از متولیان حرم اجازه می‌خواستند شب را در جوار علی‌بن‌موسی (ع) به راز و نیاز و دعا بپردازند و نیز زائری را دیدم که از مناطق ترک‌نشین آمده بود و به زبان ترکی دعا می‌کرد!

و «دارالسیاده» را بنا کرد و مسجد جامع معروف «گوهرشاد» را در (۸۲۱) زیرنظر معمار بزرگ، قوام‌الدین شیرازی ساخت؛ شاهرخ دومین حصار شهر مشهد را بنا کرد؛ سلطان حسین یاقرا، که نامش در کتیبه سردر ایوان طلای «صحن عتیق» آمده است، به پایمردی وزیرش امیرعلیشیر نوایی، نیمی از صحن عتیق فعلی را که بعدها به وسیله شاه‌عباس صفوی توسعه یافت، بنا گذارد؛ صفویان نیز در توسعه و تکمیل آستان قدس رضوی آثار ارزنده‌ای برجای گذاشتند؛ طلاکاری گنبد توسط سلطان محمد خدابنده و ترمیم و طلاکاری مناره روزگار غزنویان، در زمان حکومت شاه طهماسب اول به انجام رسید و آخرین حصار شهر هم در روزگار او ساخته شد؛ شاه عباس اول علاوه بر توسعه صحن عتیق، طلاکاری گنبد حرم را نیز که محتاج مرمت شده بود، طی سالیهای (۱۰۱۰) تا (۱۰۱۶ ق) تجدید کرد؛ کتیبه گنبد به خط علیرضا عباسی بر این معنی تصریح دارد: شاه‌عباس همچنین تعدادی قران خطی منسوب به انمه اظهار (علیهم‌السلام) تقدیم آستان قدس کرد و الماس درشتی را که ازیک‌ها از آستانه قدس به غارت برده بودند و او آن را بازپس گرفته بود، به فتوای علما فروخت و با بهای آن املاک زیادی خرید و وقف حرم کرد؛ شاه‌عباس دوم صحن عتیق را تعمیر و کاشیکاری کرد و شاه‌سلیمان گنبد مطهر را که بر اثر زلزله (۸۰۴ق) شکاف برداشته بود (به تصریح کتیبه‌ای که بر آن نصب شده) مرمت کرد و چندین مدرسه ساخت؛ دو بنای مهم آستان قدس، یکی رواق الله وردی‌خان و دیگری رواق حاتم‌خانی نیز از ساخته‌های الله‌وردی‌خان و حاتم‌بیک اردوبادی از امیران بزرگ دولت صفوی است؛ ایوانی هم که در ضلع غربی «دارالضیافه» قرار دارد، از بناهای الله‌وردی‌خان است.^(۶)

چکیده سخن

بنابراین حرم مقدس رضوی در طول تاریخ، همواره محل تردد و مرکز عالمان و عارفان و عاشقان حقیقت و جایگاه عباد و زهاد بوده است؛ شیخ صدوق که در سال (۳۵۲ه‍.ق) این مکان مقدس را زیارت کرده است می‌نویسد: زائرانی را دیدم که از مصر آمده بودند و به اصرار از متولیان حرم اجازه می‌خواستند شب را در جوار علی‌بن‌موسی (ع) به راز و نیاز و دعا بپردازند و نیز زائری را دیدم که از مناطق ترک‌نشین آمده بود و به زبان ترکی دعا می‌کرد!^(۷) نه‌تنها این مکان برای شیعیان مقدس بود؛ بلکه برای بزرگان و عالمان اهل سنت نیز مقدس بوده و هست؛ بسیاری از اهل سنت با خضوع تمام به زیارت آن می‌رفته و می‌روند؛ ابوبکر محمدبن مؤمل می‌گوید: روزی با پشواى اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلى ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت قبر علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در طوس رفتم؛ در حالی که آنها بسیار به زیارت قبر ایشان می‌رفتند؛ وی می‌گوید: احترام، بزرگداشت و تواضع این خزیمه نزد قبر و بقعه علی‌بن موسی‌الرضا(ع) همگی را شگفتی‌زده کرد.^(۸) اکنون بیش از هزار و دویست‌سال از تاریخ مشهد مقدس می‌گذرد و دراین مدت طولانی، حوادث و وقایع بسیاری را تجربه کرده است ولی همچنان محل آمد و شد محبان و شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام است! « مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

- مقاله صفویان و تغییر ماهیت مذهبی ایرانیان
- شیخ صدوق: عیون اخبار الرضا ج ۲، ص ۲۶۰
- برگرفته از سایت آستان قدس.
- اسماعیل انصاری، الموسوعه الکبری؛ ج ۷، ص ۳۰۷.
- مقدسی، محمدبن احمد، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، ۵۰/۳.
- بیهقی، ابوالفضل، تاریخ، به کوشش قاسم‌غنی و علی‌اکبر فیاض، تهران ص ۴۱۳.
- همان؛ ص ۴۱۳.



چشم‌ان خود مالیدم، دیگر در عمرم مبتلا به درد چشم نشدم و از عینک هم استفاده نکردم!

پس‌ان حادثه بمب‌گذاری در حرم مطهر حضرت رضا(ع) حضرت به خواب کسی آمدند، سؤال شد: در آن زمان شما کجا بودید؟ فرمودند: کربلا بودم. این جمله دو معنی دارد: معنی اول اینکه حضرت رضا(ع) آن روز به کربلا رفته بودند. معنی دوم یعنی این حادثه در کربلا هم تکرار شده است. دشمنان به صحن امام حسین(ع) ریختند و ضریح را خراب کردند و در آنجا آتش روشن کردند!

کسی وارد حرم حضرت رضا(ع) شد، متوجه شد سیدی نورانی در جلوی او مشغول خواندن زیارت‌نامه می‌باشد، نزدیک او شد و متوجه شد که ایشان اسامی معصومین - سلام الله علیهم - را یک یک با سلام ذکر می‌فرمایند. هنگامی که به نام مبارک امام زمان (عج) رسیدند سکوت کردند! آن کسی متوجه شد که آن سید بزرگوار خود مولایمان امام زمان(عج) است. در همین حرم حضرت رضا(ع) چه کراماتی مشاهده شده است. کسی در رؤیا دید که به حرم حضرت رضا(ع) مشرف شده و متوجه شد که گنبد حرم شکافته شد و حضرت عیسی و حضرت مریم علیهم‌السلام از آنجا وارد حرم شدند. تختی گذاشتند و آن دو بر آن نشستند و حضرت رضا(عج) را زیارت کردند.

روز بعد آن کس در دیداری به حرم مشرف شد. ناگهان متوجه شد حرم کاملاً خلوت است!حضرت عیسی و حضرت مریم(ع) از گنبد وارد حرم شدند و بر تختی نشستند و حضرت رضا(ع) را زیارت کردند. زیارت‌نامه می‌خواندند. همین زیارت‌نامه معمولی را می‌خواندند! پس از خواندن زیارت‌نامه از همان بالای گنبد برگشتند. دوباره وضع عادی شد و قیل و قال شروع شد.حال آن حضرت رضا(ع) وفات کرده است؟

حرف آخر اینکه: علم کتیبم به هر آنچه که می‌دانیم، احتیاط کتیبم در آنچه خوب نمی‌دانیم، با عصای احتیاط حرکت کتیبم.

صفحه ۶

یک‌شنبه اول شهریور ۱۳۹۴

۸ ذیقعدہ ۱۴۳۶ – شماره ۲۱۱۳۸



چراغ راه

کمال ایمان

قال‌الإمام‌الرضا(ع):«لايستكمل‌عبد‌حقیقه‌الإیمان‌حتی‌تکون‌فیه‌خصال‌ثلاث:‌التقفه‌فی‌الدین،‌و‌حسن‌التقدیر‌فی‌المعیشه‌و‌الصبر‌علی‌الرزایا»
امام رضا(ع) فرمود: هیچ بنده‌ای به کمال حقیقت ایمان نمی‌رسد مگر اینکه سه خصلت داشته باشد: ۱- فهم و اندیشه عمیق در دین -۲- برنامه و اندازه‌گیری صحیح در معاش و زندگی -۳- صبر و بردباری در برابر مصائب و بلاها»^(۱)

۱- تحف‌المقول، ص ۴۷۱



حکایت خوبان

مشهد، قطعه‌ای از بهشت

حضرت ابوالحسن علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) فرمود: در خراسان قطعه زمینی است که زمانی محل آمد و شد فرشتگان و نزول ملائکه می‌شود و همواره گروهی از ملائکه پایین می‌آیند و گروهی بالا می‌روند تا وقتی که در صور دمیده شود.

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! این کدام قطعه زمین است؟

حضرت فرمود: این قطعه در سرزمین طوس است. به خدا سوگند این قطعه «اغی از باغ‌های بهشت است» که هرکس در آن در منطقه زیارت کند، چنان است که رسول خدا(ص) را زیارت کرده باشد، و به پادشای این زیارت، خداوند ثواب هزار حج واجب پذیرفته شده، و هزار حج عمره مقبول برای او می‌نویسد، و من و پدران بزرگوارم در روز قیامت از او شفاعت می‌کنیم.^(۲)

۱- عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۵۵



پرسش و پاسخ

دلایل پذیرفتن ولایتعهدی امام رضا(ع)

پرسش:
با توجه به اینکه مأمون قصد به شهادت رساندن امام رضا(ع) را داشت، دلایل پذیرفتن ولیعهدی از طرف امام رضا(ع) چه چیزی بوده است؟

پاسخ:

۱- حفظ جان علویان

هنگامی امام رضا(ع) ولیعهدی مامون را پذیرفت که به این حقیقت پی برده بود که در صورت امتناع بپایی را که باید بپردازد تنها جان خودش نمی‌باشد بلکه علویان و دوستان‌ایشان همه در معرض خطر واقع می‌شوند. در حالی‌که اگر بر امام جایز بود که در آن شرایط، جان خویشان را به خطر بینهد، ولی در مورد دوستان‌ان و شیعیان خود و سایر علویان هرگز به خود حق نمی‌داد که جان آنان را نیز به مخاطره در اندازد. افزون بر این، بر امام لازم بود که جان خویشان و شیعیان و هواخواهان را از گزند برباهد. زیرا امت اسلامی بسیار به وجود آنان و آگاهی بخشیدنشان نیاز داشت. اینان باید باقی می‌مانند تا برای مردم چراغ راه و راهبر و مفتدا در حل مشکلات و هجوم شبهه‌ها باشند.

آری، مردم به وجود امام و دست پروردگان وی نیاز بسیار داشتند، چه در آن زمان موج فکری و فرهنگی بیگانه‌ای بر همه جا چیره شده بود و با خود ارمنان کفر و الحاد در قالب بحث‌های فلسفی و تردید نسبت به مبایذ خدائسانی، می‌آورد. بر امام لازم بود که بر جای بماند و مسئولیت خویش را در نجات امت به انجام برساند. و دیدیم که امام نیز با وجود کوتاه بسودن دوران زندگیش پس از ولیعهدی چگونه عملا وارد این کارزار شد.

حال اگر او با رد قاطع و همیشگی ولیعهدی، هم خود و هم پیروانش را به دست نابودی می‌سپرد این فداکاری کوچکترین تأثیری در راه تلاش برای این هدف مهم در بر نمی‌داشت.

۲- اعتراف به سهم علویان در حکومت

علاوه بر این، نیل به مقام ولیعهدی یک اعتراف ضمنی از سوی عباسیان به شمار می‌رفت دایر بر این مطلب که علویان نیز در حکومت سهم شایسته‌ای دارند.

۳- حضور اهل بیت(ع) در صحنه سیاست

دیگر از دلایل قبول ولیعهدی از سوی امام آن بود که اهلیت را مردم در صحنه سیاست حاضر بیابند و به دست فراموشیشان نسپارند، و نیز گمان نکنند که آنان همانگونه که شایع شده بود، فقط علما و فقهای هستند که در عمل هرگز به کار ملت نمی‌آیند. شاید امام نیز خود به این نکته اشاره می‌کرد هنگامی که (ابن عرقه) از وی پرسید: ای فرزند رسول خدا، به چه انگیزی وارد ماجرای ولیعهدی شدی؟ امام پاسخ داد:

به همان انگیزه‌ای که جدم علی (ع) را وادار به ورود در شورا نمودند. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۰)

۴- معرفی چهره واقعی مأمون

گذشتہ از همه اینها، امام در ایام ولیعهدی خویش چهره واقعی مامون را به همه شناساند و با افشا ساختن نیت و هدفهای وی در کارهایی که انجام می‌داد، هرگونه شبهه و تردیدی را از نظر مردم برداشت.

مردم به وجود امام و دست پروردگان وی نیاز بسیار داشتند، چه در آن زمان موج فکری و فرهنگی بیگانه‌ای بر همه جا چیره شده بود و با خود ارمنان کفر و الحاد در قالب بحث‌های فلسفی و تردید نسبت به مبایذ خدائسانی، می‌آورد. بر امام لازم بود که بر جای بماند و مسئولیت خویش را در نجات امت به انجام برساند.

آیا امام خود رغبتی به این کار داشت؟

اینجا که گفتیم هر دلیلی بر میل باطنی امام برای پذیرفتن ولیعهدی نمی‌باشد، بلکه همان‌گونه که حوادث بعدی اثبات کرد، او می‌دانست که هرگز از دسیسه‌های مامون و دار و دستهایش از امان نخواهد بود و گذشته از جانش، مقامش نیز تا مرگ مامون پایدار نخواهد ماند. امام بخوبی درک می‌کرد که مامون به هر وسیله‌ای که شده در مقام نابودی وی جسمى یا معنوی بر خواهد آمد.

تازه اگر هم فرض می‌شد که مامون هیچ نیت شومی در دل نداشت، تا توجه

به سنن امام امید رستختن تا پس از مرگ مامون بسیار ضعیف می‌نمود. پس اینها هیچکدام برای توجیه پذیرفتن ولیعهدی برای امام کافی نبود.

از همه اینها که بگذریم، در فرضی را بر این نگذاریم که امام امید به زنده ماندن تا پس از در گذشتن مامون را نرین می‌داشت، ولی به خورشش با عوامل دی نفوذی که خشنود از شیوه حکمرانی وی نبودند، حتی بود. همچنین توطئه‌های عباسیان و دار و دسته‌شان و بسیج همه نیروها و ناراضیان اهل دنیا بر ضد حکومت امام که اجرای احکام خدا به شیوه جدش پیامبر(ص) و علی(ع) باید پیاده می‌شد، امام را به همان مشکلات زبایباری روبروی می‌ساختند که حتی مردم نیز حکومت حق و عدل امام (ع) را در آن شرایط نمی‌توانستند تحمل کنند.

(رک:زندگی سیاسی هشتمین امام‌مضرت علی بن موسی الرضا(ع) جعفر مرتضی‌ حسینی، ترجمه دکتر سید خلیل خلیلیان)



سلوک عارفانه

صدق نیت سالک

(بدان ای سالک عزیز!) سیر الی‌الله و طلب کردن حق تعالی با صدق نیت است. با صدق نیت سالکی می‌تواند راه را تا به آخر ببیماید. صدق نیت موجب می‌گردد که سالک تلاقی ایام غفلت را بنماید، خرابی‌ها را آباد و آنچه را از دست رفته است تدارک نماید.

علامتی که سالک واجد می‌گردد و حاکی است که او به صدق نیت رسیده است، یکی این است که هیچ حادثه و داعیه‌ای نمی‌تواند او را از سیرش منحرف سازد و دیگر اینکه او در هیچ حالی از کوشش و جدیت در راه وصول به حق باز نمی‌ایستد. سوم اینکه او نمی‌تواند با هواپرستان و کسانی که به دنبال مشتهات نفسانی هستند مصاحبت و رفاقت کند.^(۱)

۱- مقامات معنوی، محسن بیدآ، ج ۲، ص ۶۰